

Change of Point of View in Translation of the Works of Holy Defense

Fatemeh Ghaderi Bafti^{1*}

Ph.D. Student of English Language Teaching, Islamic Azad University, Tehran Central Branch

(Received:19/05/2020 ; Accepted:22/08/2020)

Abstract

One of the noticeable issues in translating the works of holy defense is taking point of view into account as one of the principal elements of Narratology; because, such a change results in the change of point of view in the narration of the story in the source language and the readers go through a different narration from another perspective. Hence, the present study was an attempt to examine the translation of Iran-Iraq War narrative in a case study of Journey to Heading 270 Degrees from Persian to English to see if the point of view of the foregoing novel has undergone any changes or it has been transferred to the target language without any alterations. Adopting Pekkanen's model (2010), the element of Narratology of point of view has been examined in the light of frequency of shifts in the linguistic elements. Ultimately, in this comparative study, through which the source and translated texts have been compared, it was determined that respectively, 100 shifts in referential relations (38%), 91 shifts in agency (35%), 34 shifts in the sequence of events (13%), 22 shifts in transferability (8%), and 14 concealment of repetition (5%), affected the element of Narratology of point of view in the translated text considering their frequency throughout the story. Furthermore, it is noteworthy that no shift in modality has been observed in this study.

Keyword: *point of view, translation shifts, narratology, Holy Defense works.*

1 . Corresponding Author: fatemeh.ghaderib@yahoo.com

تغییر زاویه دید در ترجمه آثار دفاع مقدس

فاطمه قادری بافتی^{۱*}

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی، تهران

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۰۱)

صفحات: ۷۵-۸۶

چکیده

یکی از مسائل حائز اهمیت در ترجمه آثار دفاع مقدس، توجه به زاویه دید به عنوان یکی از عناصر اصلی روایت‌شناسی است؛ زیرا تغییر آن، منجر به تغییر نگاه روایت داستان مبدأ می‌شود و مخاطبان اثر، روایت متفاوتی را از منظری دیگر تجربه می‌کنند. بنابراین، تحقیق حاضر تلاشی بود جهت بررسی ترجمه روایت جنگ ایران و عراق در یک مطالعه موردی از کتاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» از زبان فارسی به زبان انگلیسی با هدف مطالعه اینکه آیا زاویه دید در ترجمه رمان مذکور دستخوش تغییراتی شده یا اینکه بدون تغییر به زبان مقصد منتقل شده است؟ با به کارگیری مدل پکنن (۲۰۱۰)، عنصر روایت‌شناسی زاویه دید در پرتو بسامد تغییرات عناصر زبان‌شناختی بررسی شد. در نهایت، در این بررسی مقابله‌ای که در آن متن مبدأ و متن ترجمه شده مقایسه شدند، مشخص شد که به ترتیب ۱۰۰ تغییر ارتباطات ارجاعی (۳۸٪)، ۹۱ تغییر عاملیت (۳۵٪)، ۳۴ تغییر در ترتیب رخدادها (۱۳٪)، ۲۲ تغییر انتقال‌پذیری (۸٪) و ۱۴ کتمان تکرار (۵٪)، با توجه به تکراری که در سراسر داستان داشته‌اند، بر عنصر روایت‌شناسی زاویه دید در متن ترجمه شده تأثیرگذار بوده‌اند. همچنین شایان ذکر است که در این بررسی، هیچ نمونه‌ای از تغییر وجهیت مشاهده نشد.

کلمات کلیدی: زاویه دید، تغییرات ترجمه، روایت‌شناسی، آثار دفاع مقدس.

۱. * نویسنده مسئول: fatemeh.ghaderib@yahoo.com

۱- مقدمه

یکی از مسائلی که در چند دهه اخیر مترجمان و روایت‌شناسان بدان توجه داشته‌اند، مسأله چگونگی ترجمه روایت مبدأ به زبان مقصد است؛ زیرا تغییر در عناصر زبان‌شناختی می‌تواند روایت متفاوتی را برای خواننده به تصویر بکشد. روایت به بررسی این موضوع می‌پردازد که رخدادهای داستان چطور، با چه ترتیبی، با چه ریتمی، با چه درجه‌ای از مشخصات و با چه زاویه‌ای از دید در کنار هم قرار می‌گیرند. (ن.ک: پکن، ۲۰۱۰: ۱۳۸) در این میان، ترجمه روایت‌های دفاع مقدس اهمیت به‌سزایی پیدا می‌کنند، چراکه بیانگر حماسه یک ملت در قالب داستان، رمان، شعر، زندگی‌نامه و... هستند. تغییرات زبان‌شناختی بسته به نوعی که دارند بر یکی از جنبه‌های روایت‌شناسی متن می‌توانند اثر بگذارند. در این پژوهش، محوریت اصلی، توجه به تغییرات زبان‌شناختی از جمله: ارتباطات ارجاعی، تغییر عاملیت، تغییر در ترتیب رخدادهای، تغییر انتقال‌پذیری و کتمان تکرار است که در صورت تکرار مداوم در متن بر روی جنبه روایت‌شناسی زاویه دید اثر می‌گذارند و در نتیجه آن، روایت متفاوتی را برای خواننده خود به تصویر می‌کشند.

۱-۱. بیان مسأله، هدف و سؤال پژوهش

یکی از مسائل حائز اهمیت در ترجمه یک روایت، توجه به زاویه دید به‌عنوان یکی از عناصر اصلی روایت‌شناسی است؛ زیرا تغییر آن، منجر به تغییر نگاه روایت داستان مبدأ می‌شود و مخاطبان اثر، روایت متفاوتی را از منظری دیگر تجربه می‌کنند. از این جهت که روای داستان، در متن ترجمه شده، درک متفاوتی از چیزی که می‌بیند یا دیده است پیدا می‌کند و این خود ممکن است هویت و به‌دنبال آن عاملیت شخصیت‌ها را زیر سؤال برد. این مسأله در ترجمه متون حساسی چون روایت‌های جنگ می‌تواند مسأله‌ساز باشد؛ چراکه در چنین آثاری، شخصیت‌های داستان نماد یک جامعه هستند و گستره نگاه آن‌ها، گستره تاریخ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یک کشور را به تصویر می‌کشد.

بنابراین، با توجه به اهمیت این موضوع، در تحقیق حاضر، با به کارگیری مدل پکن (۲۰۱۰)، به بررسی این مسأله پرداخته شد که آیا عنصر روایت‌شناسی زاویه دید در ترجمه کتاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» دستخوش تغییراتی شده یا اینکه بدون تغییر به زبان مقصد منتقل شده است؟

۱-۲. ضرورت پژوهش

مقاله حاضر می‌تواند برای مترجمان ادبی که متون حساسی از جمله متون جنگ را ترجمه می‌کنند راهگشا باشد؛ زیرا جنگ هویت فرهنگی یک جامعه است و ترجمه آن نیز نمایان‌گر این هویت ملی و فرهنگی به زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر است و تغییر روایت، در هر عنصر و جنبه‌ای که باشد اعم از ترتیب قرار گرفتن رخدادهای، زاویه تشخیص، زاویه دید و ریتم داستان، هر کدام به‌نوعی بر روایت داستان تأثیر گذاشته، روایت متفاوتی را بازتاب می‌کنند.

۱-۳. پیشینه پژوهش

شاید نتوان به‌طور دقیق تحقیقی را یافت که به بررسی عنصر روایت‌شناسی زاویه تشخیص در ترجمه آثار دفاع مقدس پرداخته باشد، اما می‌توان به پژوهش‌های مشابهی در این حوزه اشاره کرد. حرّی به بررسی ارتباطات ارجاعی شخصی به‌عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار بر زاویه دید در ترجمه رمان «به سمت فانوس دریایی» نوشته ویرجینیا وولف و نحوه تأثیر

آن بر گفتمان داستان می‌پردازد. (ن.ک: حرّی، ۲۰۱۰: ۵) وی با اتخاذ از مدل ون لیوون زوارت، در یک تحلیل زبان‌شناختی تطبیقی، ترجمه سه مترجم؛ خجسته کیهان (نشر نگاه)، سیلویا بجانیان (نشر به نگاه) و صالح حسینی (نشر نیلوفر)، از این اثر را مقایسه کرده، تا بررسی کند که آیا نگاه راوی و شخصیت‌های داستان در ترجمه رمان ذکر شده منتقل شده‌اند یا خیر؟ همچنین در پژوهشی دیگر حرّی ارتباطات ارجاعی مکانی و زمانی و تأثیر آن‌ها بر سطح فرامتنی را بررسی کرده است که این خود می‌تواند در یک مطالعه پیکره‌ای، نشان‌دهنده سبک یا صدای مترجم باشد (ن.ک: تجویدی، حرّی، ۲۰۱۶: ۱۰۹).

۱-۴. روش پژوهش

با به کارگیری مدل روایت‌شناسی پکنن (۲۰۱۰)، عنصر روایت‌شناسی زاویه تشخیص در پژوهش حاضر، از طریق تحلیل عناصر زبان‌شناختی ارتباطات ارجاعی، عاملیت، ترتیب رخدادها، انتقال‌پذیری، کتمان تکرار و وجهیت در سطوح مختلف شامل (کلمه، عبارت، بند یا جمله) در یک مطالعه موردی از کتاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نوشته احمد دهقان که از جمله آثار موفق در حوزه دفاع مقدّس بوده است با ترجمه پاول اسپراکمن بررسی شد. این بررسی، در راستای سؤال مطرح شده در پژوهش حاضر انجام شد، با این هدف که آیا عنصر زاویه تشخیص در فرآیند ترجمه رمان ذکر شده، دستخوش تغییراتی شده یا اینکه بدون تغییر به زبان مقصد منتقل شده است؟ گفتنی است که میزان تأثیرگذاری عناصر زبان‌شناختی بررسی شده در این پژوهش، بر عنصر زاویه دید (کانونی شدن)، با توجه به بسامدی که در سراسر داستان داشته‌اند، تجزیه و تحلیل شد.

۲. تغییر زاویه دید

زاویه دید (کانونی شدن، تمرکز و آگاهی)، یکی از مسائلی است که با افرادی همچون ژنت (Genette)، پالمر (Palmer)، چتمن (Chatman) و ریمون کنن (Rimmon-Kennan) به دنیای ادبیات و با افرادی همچون بوسو (Bosseaux)، بس بیر (Boase-Beier)، پکنن (Pekkanen)، به دنیای ترجمه راه پیدا کرد (پالمر، ۲۰۰۴: ۴۸). پالمر می‌گوید:

«کانونی شدن، چشم‌انداز، زاویه نگرش، نقطه‌نظری است که از طریق آن حوادث به هم مرتبط می‌شوند».

همچنین پالمر با اشاره به ژنت، تقسیم‌بندی متفاوتی را برای روایت (داستان) و کانونی شدن (زاویه دید) قرار می‌دهد و می‌گوید:

«وقتی شما گفتمانی را می‌خوانید و می‌پرسید «چه کسی صحبت می‌کند؟» یا «چه کسی روایت می‌کند؟» شما در جریان یک داستان هستید. وقتی می‌گویید «چه کسی می‌بیند؟» یا «چه کسی فکر می‌کند؟» در آن هنگام شما در جریان کانونی شدن هستید» (همان: ۴۸).

ریمون کنن نیز همانند ژنت کانونی شدن را برابر با زاویه دید می‌داند و می‌گوید: ما داستان را از نگاه و از زبان شخصیت‌های داستان درک می‌کنیم و شخصیت‌ها منتقل‌کننده این هستند که شخص دیگر چه چیز را می‌بیند یا اینکه چگونه دیده می‌شود (ن.ک: ریمون کنن، ۲۰۰۵: ۷۴). زاویه دید از جنبه‌های مهم روایت‌شناسی است که بوسو آن را از طریق ۴ عنصر

قابل اندازه‌گیری در متن بررسی می‌کند از جمله ضمائر اشاره، وجهیت، گذرا یا ناگذر بودن فعل همچنین گفتمان آزاد غیرمستقیم (ن.ک: بوسو، ۲۰۰۴: ۱۷).

پکنن معتقد است:

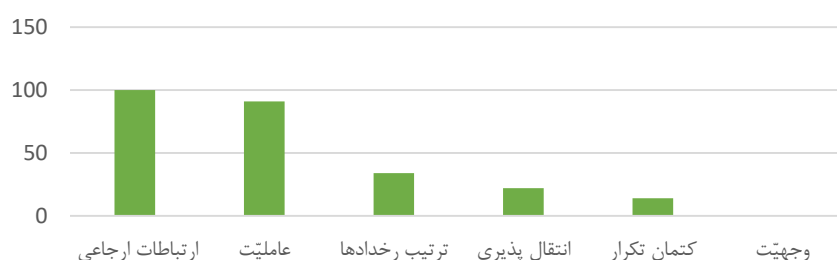
«تمرکز و تأکید، عامل‌های مرتبطی هستند، هر دو به‌عنوان ابزارهای کانونی شدن به‌کار می‌روند؛ به منظور جلب‌کردن توجه و اهمیت دادن به چیزی که گفته می‌شود» (پکنن، ۲۰۱۰: ۱۴۶).

او کانونی شدن را به یکی از عناصر روایت‌شناسی ربط می‌دهد. به گفته پکنن عناصر روایت‌شناسی از جمله زاویه تشخیص، ترتیب رخدادها، کانونی شدن و یا زاویه دید و ریتم، عناصر زبان‌شناسی مجزایی هستند که با بازپیدایی شان در متن، جهانی افسانه‌ای برای مخاطب خود ترسیم می‌کنند (ن.ک: پکنن، ۲۰۱۰: ۱۶۶).

پکنن در تعریف کانونی شدن این‌طور می‌گوید که کانونی شدن مربوط می‌شود به تمرکز کردن و توجه کردن به عناصری خاص و نشان دادن تأکید بیشتر، از طریق نحوه قرار گرفتن پی‌درپی و ارجاعی و نادیده گرفتن عناصر دیگر (ن.ک: پکنن، ۲۰۱۰: ۳۴). به گفته وی، تغییرات مکرر عاملیت، وجهیت، ارتباطات ارجاعی، ترتیب رخدادها، انتقال‌پذیری می‌تواند دید و نگرش مخاطب خود را نسبت به شخصیت‌ها و همچنین راوی داستان تغییر داده، در نتیجه منجر به تغییر عنصر زاویه دید شود (همان: ۱۴۳-۳۲).

کتمان تکرار نیز از جمله تغییراتی است که در آن عنصر تکرار شونده حذف شده (در سطوح مختلف شامل کلمه، عبارت، بند یا جمله) و یا با معادلی به معنایی متفاوت جایگزین می‌شود که این خود می‌تواند بر فاصله کانونی‌گر و شیء وصف شده تأثیر بگذارد. (ن.ک: پکنن، ۲۰۱۰: ۱۳۱). کتمان تکرار، تأکیدی را که نویسنده سعی بر ترسیم آن داشته‌است از بین می‌برد که این خود بر زاویه دید تأثیر می‌گذارد. همچنین پکنن تغییر ارتباطات ارجاعی را «انتخاب یک اسم خاص یا یک اسم به جای ضمیر و یا برعکس» تعریف می‌کند (پکنن، ۲۰۱۰: ۱۴۳)، او تغییر عاملیت را تغییر عنصر عامل و کننده کار در روایت معرفی می‌کند (ن.ک: پکنن، ۲۰۱۰: ۷۸).

عوامل مؤثر بر تغییر زاویه دید



نمودار ۱. عوامل مؤثر بر تغییر زاویه دید

از نظر پکنن، انتقال‌پذیری به ارائه فعالیت‌ها برمی‌گردد و تفاوت‌های ساختاری بین دو زبان را نشان می‌دهد (ن.ک: پکنن، ۲۰۱۰: ۱۱۳-۴۵). بوسو نیز انتقال‌پذیری را به گذرا یا ناگذر بودن فعل جمله ربط می‌دهد (ن.ک: بوسو، ۲۰۰۴: ۷۹)،

که با استناد به این تعاریف، تغییر انتقال پذیری به معنای تغییر فعل معلوم به مجهول و یا برعکس بررسی می‌شود. تغییر در ترتیب رخدادها (در سطح خرد و واحدهای زبانی درون جمله‌ای) نیز از این جهت که توجه مخاطب و میزان تأکید بر عنصر زبان‌شناسی را به واسطه تغییر در ترتیب قرارگیری عناصر زبانی تغییر می‌دهد، در زمره عوامل مؤثر بر زاویه دید قرار می‌گیرد (ن.ک: پکن، ۲۰۱۰: ۳۲). همچنین بوسو (۲۰۰۷: ۳۵-۳۶) وجهیت را «قضاوت‌ها درباره حقیقت یا امکانیت، درجه تمایل، ارزش، و الزامات شرکت کنندگان در یک بحث و افرادی که به آن‌ها اشاره می‌شود» می‌داند.

۳. تغییرات عناصر زبان‌شناختی

۳-۱. کتمان تکرار

در تحقیق حاضر ۱۴ نمونه کتمان تکرار یافت شد. جدول ۱، نمونه‌هایی از این نوع تغییرات را نشان می‌دهد. در چنین نوع تغییراتی، تکرار، از متن ترجمه شده حذف می‌شود که این خود در صورت تکرار بر میزان تأکید و تمرکز خواننده و در نتیجه زاویه دید او می‌تواند تأثیرگذار باشد.

جدول ۱. کتمان تکرار در سطوح مختلف

متن فارسی	متن انگلیسی
به رسول می‌گوید: <u>بلن شو، بلن شو بچه!</u> من که می‌زنم تو منو پوشش بده- ۲۱۹	Abdollah load the belt into the machine-gun and says to him, " <u>Up, boy.</u> While I'm firing..."- (p. 234-235)
هیجان‌زده می‌گوید: <u>هیچی هیچی</u> ، از این ور بریم- ۲۲۷	Terrified he says, "Nothing. Let's go this way"- (p. 241)
گوی <u>هزار هزار</u> ستاره در میان نخل‌ها سوسو می‌زند- ۲۳۵	There is a new moon shining through the date palms, making it seem like <u>thousands</u> of stars are twinkling in the darkness- (p. 235)

۳-۲. تغییر عاملیت

در این نوع تغییر، کننده کار در متن ترجمه شده، تغییر می‌کند و اینکه چه کسی فعالیت و کار را انجام می‌دهد: به عنوان مثال «من به حیاط می‌روم» تبدیل شده است به «ما به حیاط می‌رویم»، «علی می‌گوید» تبدیل شده است به «من به علی می‌گویم»، و یا «تیربارو با هم می‌بریم» تبدیل شده است به «تیربارو با خودت بیار» و مواردی از این دست که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است.

۳-۳. تغییر ارتباطات ارجاعی

این نوع تغییرات که مرز مشترکی با تغییر عاملیت نیز دارند، به تبدیل اسم خاص به ضمیر (فاعلی، مفعولی، ملکی، اشاره و...) و تبدیل ضمیر به اسم خاص برمی‌گردند همانند مهدی و رسول در متن مبدأ که به آن‌ها در متن مقصد تبدیل شده است (واعضیان، قادری بافتی، ۲۰۱۹: ۱۵۸)، که در بررسی مقابله‌ای انجام شده در این تحقیق، ۱۰۰ نمونه از این نوع تغییرات یافت شدند.

جدول ۲. تغییر عاملیت در سطوح مختلف

تغییر عاملیت

متن مقصد	متن مبدأ
I enter the compound- (p. 46)	می‌رویم تو حیاط - ۳۱
I say to Ali, "There is Masood!"- (p. 60)	علی می‌گوید: مسعود رو باش - ۴۲
Even though we are standing close to one another, we wave- (p. 60)	با اینکه از هم فاصله‌ای نداریم، اما هر دو دستم را بالا می‌آورم و تکان می‌دهیم - ۴۲
While Heydar was around, no matter how much he begged, they didn't give him leave- (p. 65)	تا حیدر بود، هر چی التماسش کرد، بهش مرخصی نداد - ۴۷
Someone hails us from inside the tent- (p. 66)	میرزا صدایمان می‌زند - ۴۸
We lie flat on our backs and rest our heads on the rocks- (p. 59)	طاق‌باز می‌افتم و سر بر قلوه سنگی می‌گذارم - ۴۱
This time they have chosen a good place to make camp- (pp. 64-65)	این بار برای اردوگاه خوب جایی رو انتخاب کردین - ۴۶
Do the boys still weep from those long marches?"- (p. 65)	بازم بچه‌ها رو ازون راهپیمایی‌های اشکی میبره یا نه؟ - ۴۷
He (refers to Qasem) goes inside and I hear him asking me to come in- (p. 68)	می‌رود تو. صدای حاج نصرت را از تو چادر می‌شنوم که می‌گوید بروم تو - ۵۱
I'll put you on our side and we'll play without you until you come back- (p. 70)	تو تیم خودمون می‌کشیمت تا بیای - ۵۲
I shake his hand- (p. 74)	دست می‌دهیم - ۵۶
When we return to the tents, we spread out our equipment to pack it up- (p. 79)	وقتی برمی‌گردیم به چادرها، تجهیزاتم را می‌ریزم جلویم تا آنها را به هم وصل کنم - ۶۱
We quickly pass by the embankment that extends to the horizon- (p. 89)	از کنار خاکریزی که تا انتها می‌رود تند می‌گریزم - ۷۱
I watch him out of the corner of my eye- (p. 92)	زیرچشمی نگاهم می‌کند - ۷۴
Ali, jump down. I want to pack up the frame- (p. 93)	علی، بپر پایین. می‌خواهم میله‌ها رو جمع کنیم - ۷۶
"You're kidding!" we say in disbelief- (p. 104)	با ناباوری می‌گوییم شوخی می‌کنی - ۸۷
We w...we went to the latrine and j...ju...just come back, and we m...mu...must have tr...tri...trip...ped a hun...hun...hundred times (p. 103)	ر رفتیم مستراح و اوادم، ص ص ص دبار بی بی بیشتر خو خو خوردم زمین - ۸۶
R... re...remind me tomorrow t...t...to give them b...ba...back! - (p. 106)	یادتون باشه صب باید پ پ پ شون ب ب بدیم - ۸۹
I automatically look back at Heydar- (p. 109)	بی‌اختیار نگاهمان برمی‌گردد طرف حیدر - ۹۲
We crouch down where we are- (p. 109)	سر جایم می‌نشیم - ۹۲

جدول ۳. تغییر ارتباطات ارجاعی در سطوح مختلف

متن مقصد	متن مبدأ
Players- (p. 19)	آنان- ۵
We'll see- (p. 20)	تا ببینم- ۶
It- (p. 21)	کاغذ- ۷
It (which refers to lips in the) - (p. 32)	بچه‌ای- ۱۸
I grab a piece of bread- (p. 33-34)	تکه‌نانی می‌کشد جلو (به مصطفی برمی‌گردد)- ۲۰
Father seats Ali next to him and pulls a bowl toward him- (p. 36)	پدر، علی را کنار خود می‌کشانند کاسه‌اش را می‌کشد طرف او- ۲۲
Ali turns to father, saying, "Hajj Aqa! We won't see you again!"- (p. 40)	علی رو به پدر می‌گوید: حاج‌آقا! شما رو که دیگه نمی‌بینم- ۲۶
I cannot bear seeing her looking at me- (p. 44)	تاب دین نگاه‌هایشان را ندارم- ۲۹
The doors open and they spill from the train- (p. 50)	درها را باز می‌کنند و می‌ریزم پایین- ۳۴
O Lord of Time! Look how many victims there are in your land! - (p. 51)	قربونت برم امام زمان! تو مملکت خودت چقدر مظلومی!- ۳۵
I pay and we leave the shop- (p. 53)	شیرینی می‌گیریم- ۳۵
From the way he spoke to Hoseyn, it looks like he's not going to return to camp- (p. 55)	اینطور که با حسین صحبت می‌کردن، دیگه بر نمی‌گرده اردوگاه- ۳۶
Annoyed, we wait for another vehicle- (p. 56)	با ناراحتی می‌ایستم تا ماشین برود- ۳۸
Mirza sidles toward me- (p. 61)	میرزا سلانه‌سلانه می‌آید طرفمان- ۴۲
It's go...go...good that you brought them- (p. 61)	خوب آآآ آوردیش- ۴۳
A small column in the plain below me is approaching us- (p. 64)	ستون کوچکی از نیرو به طرف دشت پایین پایم می‌آیند- ۴۶
The view makes me forget the past and, more interestingly, the mental picture I had made of it- (p. 58. 40)	منظره اینجا همه حرف‌ها را از یاد می‌برد. جالب‌تر از آن چیزی است که در ذهن ساختم- ۴۰
Ali mutters "Goodbye" and gets out- (p. 58)	علی زیر لب می‌گوید خداحافظ. پیاده می‌شویم- ۴۰
The people not playing are sitting around a tray- (p. 75)	آن‌هایی که بازی نمی‌کنند، دور سینی نشسته‌اند- ۵۷
Abdollah is looking at me- (p. 97)	عبدالله توجه‌اش به ما جلب شده- ۸۰
The soot and fumes from the lamps and kerosene heaters irritate our lungs and eyes, but we don't care- (p. 110)	بوی چراغ‌های والور سینه و چشم‌هایم را می‌سوزاند، اما به آن بی‌توجه هم- ۹۳
They return walking together toward the Karun River and disappear behind the pile of earth separating us from it- (p. 117)	مهدی و رسول قدم‌زنان در آن سوی خاکریزی که حائل بین ما و رود کارون است، گم می‌شوند-
a biting cold winds its way through the back of the truck, piercing us to the bone- 127	سرما تا مغز استخوانم نفوذ می‌کند- ۱۰۹

ادامه جدول ۳. تغییر ارتباطات ارجاعی در سطوح مختلف

تغییر ارتباطات ارجاعی

متن مقصد	متن مبدأ
the few with energy have rolled their sleeping bags up to their shoulders and are chatting in groups of two and three- 109	آن‌هایی که سرحال‌ترند، کیسه خواب را تا شانه بالا کشیده‌اند و دو به دو و سه به سه با هم گپ می‌زنند- ۱۰۹
They are either earth-colored or camouflaged with mud and loaded with wounded- (p. 129)	آمبولانس‌ها یا خاکی رنگ هستند یا گل‌مالی شده‌اند. پر مجروح هستند و حتی کنار راننده هم زخمی نشانده‌اند- ۱۱۱
As if <u>we</u> were waiting for the executioner, <u>our</u> eyes trained on the sky- (p. 132)	همه مثل اعدامی‌ها آسمان را می‌کاوند- ۱۱۴
<u>We</u> are confused- (p. 132)	سرگردان هستند- ۱۱۴

۳-۴. تغییر انتقال پذیری

تغییر در انتقال‌پذیری شامل تغییر گذرا به ناگذر و ناگذر به گذرا (معلوم به مجهول - مجهول به معلوم) می‌شود که این خود نه تنها عاملیت را از جمله یا بند می‌گیرد همچنین میزان تأکید و تمرکز بر فاعلیت و یا عدم فاعلیت را تغییر می‌دهد، بلکه در صورت تکرار، بر عنصر زاویه دید نیز تأثیر گذار است. در این بررسی مقابله‌ای، ۲۲ نمونه از این نوع تغییرات یافت شدند که در جدول ۴ به آن‌ها اشاره شده‌است.

جدول ۴. تغییر انتقال‌پذیری در سطح بند و جمله

متن مقصد نوع انتقال پذیری	متن مبدأ
مجهول به معلوم The doorway <u>frames</u> Mother's face- (p. 6)	چهره مادر در چهارچوب در قاب می‌شود- ۶
مجهول به مجهول An Economic Mobilization Force <u>has been announced</u> - (p. 28)	ستاد بسیج اقتصادی اعلام کرد- ۱۵
مجهول به معلوم He <u>doesn't open his mouth</u> fully when he speak- (p. 70)	دهانش خوب از هم باز نمی‌شود- ۵۲
مجهول به معلوم I <u>reported</u> to the company- (p. 70)	معرفی شدم به گروهان- ۵۳
مجهول به معلوم From the east comes the sound of warplane, <u>cutting off what Rasool is saying</u> - (p. 115)	صدای هواپیماهای جنگی دشمن می‌آید، صدای رسول بریده می‌شود- ۹۸
مجهول به مجهول <u>Written</u> on a green sign in big letters...- 128	روی تابلوی سبزرنگی، درشت نوشته‌اند...- ۱۱۰
مجهول به معلوم <u>The clanking</u> of tanks <u>drowns out</u> my voice- (p. 130)	صدایم در میان صدای شنی تانک‌ها گم می‌شود- ۱۱۲
مجهول به مجهول Before paying, I put boots, weapons and equipment in a pile so <u>they won't get lost</u> - (p. 133)	پوتین سربازی و اسلحه و تجهیزات‌ام را رو هم می‌گذارم تا گمشان نکنم- ۱۱۴
مجهول به معلوم It is as though <u>they were trying to fill</u> a bottom-less pit- (p. 133)	انگار که این چاه ویل، پرشدنی نیست- ۱۱۵
مجهول به معلوم I take a mouthful of water- (p. 147)	دهانم پر آب می‌شود- ۱۲۷
مجهول به معلوم I don't wait for him to answer and walk over the vehicles to reach <u>the roadway that runs through the lake</u> - (p. 150)	منتظر جوابش نمی‌مانم و از دو نفربر می‌گذرم و می‌افتم در جاده‌ای که در میان دریای آب کشیده شده‌است- ۱۳۰

ادامه جدول ۴. تغییر انتقال پذیری در سطح بند و جمله

متن مبدأ	متن مقصد نوع انتقال پذیری
آتش دشمن ناگهانی شروع می‌شود- ۱۳۲	The enemy suddenly begins to fire again- (p. 152) مجهول به معلوم
صدایش می‌برد، دور هم نشستیم و او شک برش می‌دارد- ۱۴۲	<u>He interrupts himself as if doubtful about something-</u> (p. 163) مجهول به معلوم
ما آمده‌ایم در میانشان - ۱۶۳	We are caught in the middle of them- (p. 184) معلوم به مجهول
یکهو همه سر اسلحه‌شان را رو به آن‌ها می‌گیرند و تیربارانشان می‌کنند. همه‌شان وسط راه می‌افتند- ۱۷۱	They are immediately cut down before they can get halfway to their rear lines- معلوم به مجهول
محو تماشای روبه‌رویم تا اینکه جنگ مغلوب می‌شود و خاکریز پستی تسلیم می‌شود- ۱۸۸	I am so lost in watching whether <u>they will outflank us-</u> (p. 207) مجهول به معلوم
موشک‌هایی که شلیک می‌شوند و از رو و کنار تانک به هدر می‌روند- ۱۸۹	He (Asghar) fires but his rocket goes astray- (p. 208) مجهول به معلوم
باد که می‌وزد، نرمه‌های آن پخش می‌شود رو سر و صورت من و رسول- ۱۹۴	<u>The wind scatters</u> the crumbs into our faces- (p. 212) مجهول به معلوم
جنازه‌ها چی شدن- ۲۰۱	What did they do with the dead?- (p. 218) مجهول به معلوم
زخم هر دوتون هر روز باید پانسمان بشه- ۲۳۴	They have to bandage our wounds every day- (p. 249) مجهول به معلوم
می‌گفت تا حالا ازش استفاده نشده- ۲۳۸	Didn't he tell us that he has nothing to do?- (p. 253) مجهول به معلوم
چادرها را پشت کامیون بار زدیم و کیسه سربازی کسانی را که نیستند، تحویل مسوؤل شکم‌گنده کارگزینی دادیم- ۲۴۳	The folded tents and the sacks of the dead have been loaded onto trucks and then turned over to the potbellied personnel officer- (p. 258) معلوم به مجهول

۳-۵. تغییر در ترتیب رخدادها

تغییر در روند رخدادها که از جمله تغییرات اختیاری ترتیبی هستند (به جز تغییرات اجباری در ارکان جمله در بین دو زبان) که در سطح درون-جمله‌ای و برون-جمله‌ای اتفاق می‌افتند و می‌توانند بر تأکید و تمرکز جمله تأثیر بگذارند. این گونه تغییرات در صورت تکرار و در کنار عوامل مؤثر دیگر که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، می‌توانند به عنصر زاویه تشخیص تأثیر گذاشته و آن را در متن ترجمه شده دچار تغییر کنند. در این راستا می‌توان اشاره کرد به نمونه‌ای که در ادامه می‌بینیم (واعظیان، قادری بافتی، ۲۰۱۹: ۱۵۷).

«بخون، بخون بابا تا قبول شی، اقل کم از بچه‌های مردم عقب نیفتی و نگن رفت جبهه، درس نخوند»

(ص ۱۴)، که به صورت زیر ترجمه شده است:

“Study, study hard son, so you'll be accepted to college. At least don't fall behind (p. 28) other people's kids, so they won't say you failed and had to go to the front”

که در معنای فارسی به این صورت است که «و نگن درس نخوندی و مجبور شدی به جبهه بری» در اینجا نه تنها تغییر در

ارتباطات ارجاعی، بلکه تغییر رخداد مشاهده می‌شود. در روایت فارسی، علت درس نخواندن ناصر، رفتن به جبهه تلقی شده‌است درحالی‌که در روایت انگلیسی علت رفتن به جبهه، درس نخواندن ناصر بیان شده‌است (قادری بافتی، در دست چاپ)، که به علت تغییر در تأکید، این مورد و موارد مشابه در بسامد بالا می‌توانند بر جنبه روایت‌شناسی زاویه دید تأثیر بگذارند (پکنن، ۲۰۱۰، ص ۳۲).

جدول ۵. تغییر ترتیب رخداد در سطوح مختلف

متن مبدأ	متن مقصد
دستم از رو پیراهنش می‌لغزد-۶	Her sleeve slips from my hand- (p. 20)
و نگو رفت جبهه، درس نخوند-۱۴	So they won't say you <u>failed and had to go to the front</u> - (p. 28)
بچه‌ها جلوی پایش پشت سر هم نشسته‌اند-۱۰۰	The boys are sitting in front <u>and behind him</u> - (p. 117)
آخرم این جنگ نمی‌دازه تو امتحاناتت رو تا آخر بدی-۴۲	This war was never going to let you take your <u>last exam!</u> - (p. 60)
روی تابلوی سبزرنگی، درشت نوشته‌اند: برای تضعیف روحیه دشمن با چراغ روشن حرکت کنید- ۱۱۰	Written on a green sign in big letters is Safaviyyeh Road – 128
گرم که می‌شود، همه چیز از یادم می‌رود-۱۱۷	The heat inside the bag is the last thing I feel before <u>blacking out</u> - (135)
من تازه می‌فهمم که خواب دیده و به دنیای ناشناخته‌ای پا گذاشته و برای اولین بار به بلوغ رسیده- ۱۱۹	I now realize that he was dreaming of entering an entirely strange world of becoming an adult for the first time- (p. 137)
وقتی برمی‌گردم، توپخانه خودی به راه افتاده و مرتب شلیک می‌کند- ۱۲۰	I return to find that our batteries have begun to fire regularly at the enemy- (p. 138)
تکه‌های سفید و خاکستری ابر، صورت آسمان را لک و پیس کرده- ۱۲۰	The sky is speckled with gray and white clouds- (p. 139)
فسفریه. این‌ها رو زدن تا به هواپیماهای بعدی علامت بدن این جا رو بمبارون کنه- ۱۲۳	“Chemicals”! “No way...phosphorous. They drop it as a signal to the next planes to bomb here”- (p. 141)
پشت چهره‌های آرام، اضطرابی پنهان نهفته‌است- ۱۲۴	People try to hide their anxiety by acting calmly- (p. 142)
حیدر می‌گوید: به این می‌گن دریاچه ماهی. حمله از این جا شروع شده- ۱۲۷	Heydar says, “They call this Fish Lake”, the roadway is surrounded by lake water on both sides... Heydar explains, “ <u>This is where the offensive began</u> ”- (p. 146)
قمقمه را از دستم می‌گیرد. دستش می‌لرزد. قمقمه را به دهانش می‌برد و می‌خورد. آب از دو ور صورتش می‌ریزد- ۱۲۸	He takes it <u>and drinks</u> , but his hands are shaking and water drips down his cheeks- (p. 147)
رو زمین دراز می‌کشم، بر می‌خیزم و کنار ستون را می‌گیرم و با تمام سرعت می‌دوم - ۱۳۰	I hit the ground, then rise and run as fast as I can to get beside the column- (p. 150)
شاید بی‌اختیار خواسته‌ایم همدلی مان را به‌شان برسانیم- ۱۳۴	Our need to express the solidarity is automatic- (p. 154)
بعد نماز می‌ریم - ۱۴۰	We're going to pray later- (p. 161)

۴. نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی عنصر روایت‌شناسی زاویه دید (کانونی شدن) در ترجمه رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» و پاسخ به این سؤال بود که آیا این جنبه از روایت‌شناسی، در فرآیند ترجمه، دستخوش تغییراتی شده یا اینکه بدون تغییر به زبان مقصد منتقل می‌شود؟ با اتخاذ از مدل روایت‌شناسی پکنن (۲۰۱۰)، زاویه دید از طریق تحلیل عناصر زبان‌شناختی؛ ارتباطات ارجاعی، عاملیت، ترتیب رخدادها، انتقال‌پذیری، کتمان تکرار و وجهیت در سطوح مختلف شامل (کلمه، عبارت، بند یا جمله) بررسی شد. در نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها، مشخص شد که ۱۰۰ تغییر ارتباطات ارجاعی (۳۸٪)، ۹۱ تغییر عاملیت (۳۵٪)، ۳۴ تغییر در ترتیب رخدادها (۱۳٪)، ۲۲ تغییر انتقال‌پذیری (۸٪) و ۱۴ کتمان تکرار (۵٪)، با توجه به تکراری که در سراسر داستان داشته‌اند، بر عنصر روایت‌شناسی زاویه دید در متن ترجمه‌شده تأثیرگذار بوده‌اند. همچنین، شایان ذکر است که هیچ نمونه‌ای از تغییر وجهیت در این بررسی مشاهده نشد.

زاویه دید از جنبه‌های مهم روایت‌شناسی است که بوسو (۲۰۰۴) آن را از طریق ۴ عنصر قابل اندازه‌گیری در متن بررسی می‌کند. این عناصر شامل ضمائر اشاره، وجهیت، گذرا یا ناگذر بودن فعل همچنین گفتمان آزاد غیرمستقیم می‌شوند. پژوهش حاضر بررسی این جنبه از روایت‌شناسی را توصیه می‌کند. همچنین بررسی و پژوهش درباره علائم نگارشی که از عوامل تأثیرگذار بر ریتم داستان به‌عنوان یکی دیگر از جنبه‌های روایت‌شناسی، می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های آتی باشد.

دیگر اینکه پژوهش حاضر یک مطالعه موردی از کتاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» بود، پژوهشگران می‌توانند پژوهش حاضر را در سطح پیکره‌ای و به‌طور گسترده‌تری انجام دهند تا نتایج به‌دست آمده قابل‌تعمیم به کتاب‌های دیگر نیز باشد، همچنین ریتم داستان، ترتیب قرار گرفتن رخدادها و زاویه دید از جمله عناصری هستند که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته نشد، اما می‌توانند موضوعاتی چالش‌برانگیز در پژوهش‌های آتی باشند.

فهرست منابع

۱. بوسو، شارلوت. (۲۰۰۴). «ترجمه و روایت‌شناسی: یک مطالعه پیکره‌ای از ترجمه فرانسوی دو رمان از ویرجینیا ولف». پایان‌نامه دکتري مطالعات ترجمه. دانشگاه لندن. بریتانیا.
۲. بوسو، شارلوت. (۲۰۰۷). چه حسی دارد؟ زاویه دید در ترجمه. آمستردام، نیدرلند: انتشارات اس. تی جرم.
۳. پکنن. هیلکا. (۲۰۱۰). «صدای مشترک نویسنده و مترجم: نگاهی بر سبک از طریق متغیرها در ترجمه ادبی». ریتوالپی هالم. پایان‌نامه دکتري مطالعات ترجمه. دانشگاه هلسینکی.
۴. پالم، آلن. (۲۰۰۴). ذهن‌های افسانه‌ای. لینکولن و لندن: انتشارات دانشگاهی نیاراسکا.
۵. تجویدی، غلامرضا؛ حرّی، ابوالفضل. (۲۰۱۶). «ارجاعات زمانی-مکانی به‌عنوان نمایانگر زاویه دید در سه ترجمه فارسی از به سوی فانوس دریایی اثر وولف». مجله مطالعات ترجمه، دوره ۱۴، شماره ۵۴.

۶. حرّی، ابوالفضل. (۲۰۱۰). «ترجمه ارتباطات ارجاعی شخصی به‌عنوان شاخص‌های زاویه دید در سه ترجمه فارسی از کتاب به سوی فانوس دریایی اثر وولف». *مجله مطالعات ترجمه*، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۲۱-۵.
۷. دهقان، احمد. (۱۳۷۵). *سفر به گرای ۲۷۰ درجه*، ترجمه پاول اسپراکمن. (۲۰۰۶). کالفورنیا: انتشارات مزدا.
۸. _____ (۱۳۹۳). *سفر به گرای ۲۷۰ درجه*، چاپ بیستم. تهران: انتشارات سوره مهر.
۹. ریمون کنن، شلامیت. (۲۰۰۵). «روایت داستان: فنون شاعری معاصر»، چاپ دوم. لندن و نیویورک: راتلج.
۱۰. ژنت، ژرارد. (۱۹۷۲). *گفتمان روایت: مقاله‌ای بر شیوه کار*. ترجمه جی. ای. لوین. (۱۹۸۰). ایتهاکا، نیویورک: انتشارات دانشگاهی کورنل.
۱۱. واعظیان، هلیا؛ قادری بافتی، فاطمه. (۲۰۱۹). «تغییرات اختیاری در ترجمه فارسی به انگلیسی». *مجله ورتیمو*، شماره ۱۲، صص ۶۴-۱۵۰.